

آغازدموکراسی ازاقتصاد

● صحبت‌کردن از سرمایه‌داری در آمریکا در نیم‌قرن گذشته از خطوط قرمز بوده و اندک افرادی هم که جرئت داشتند و از نظام سرمایه‌داری انتقاد کردند یا نادیده گرفته شدند یا با تمسخر به آنان گفته شد بهتر است به کره‌شمالی، چین یا کوبا بروند؛ گویا در برابر نظام سرمایه‌داری این تنها گزینه است.
باین حال، بعد از بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ که بدترین بحران از زمان «رکود بزرگ» در دهه ۱۹۳۰ بود، شرایط به‌کلی دگرگون شد. ده‌ها میلیون نفر برای مدت‌های طولانی بی‌کار و بسیاری که ناتوان از پرداخت اقساط وام مسکن بودند، بی‌سرپناه شدند. در آن زمان و درحالی‌که بسیاری از مردم نیازمند کمک دولت‌ها بودند، مسئولان دولتی از محل مالیات‌های عمومی به کمک شرکت‌های بزرگ و بانک‌ها شتافتند تا از ورشکستگی آنها جلوگیری کنند.
کتاب «اقتصاد را تسخیر کنید» که حاصل گفت‌وگوی ریچارد ولف با دیوید بارسامیان است از این بحران اقتصادی، مشکلات امروز سرمایه‌داری در سطح جهانی و اهمیت جنبش تسخیر وال‌استریت می‌گوید. کتاب حاضر با ترجمه مهرداد (خلیل) شهبای و محمود نبوی در فارسی موجود است. به‌تازگی نشر اختران چاپ دوم این کتاب را منتشر کرده است.

ولف در این کتاب بحران‌های پیاپی نظام سرمایه‌داری و وجود نهایت فقر و ثروت در جوامع انسانی را بر جسته و وضعیت امروزی طبقه متوسط آمریکا را بررسی می‌کند. پاسخ‌های ولف در کتاب حاضر نشان می‌دهد ناکامی ضابطه‌گذاری‌های دولتی، نابرابری‌های فراینده در درآمد و ثروت، حذف اصلاحات نوین روزولت که پس از جنگ جهانی دوم اعمال شد و به موازات آن تحمیل برنامه‌های ریاضت جمعی از سوی دولت‌های اروپایی و ایالات متحده و بسیاری جنبه‌های دیگر بحران سال ۲۰۰۸ ماحصل این یا آن رویداد مشخص تاریخی با نتیجه عمل این یا آن کشور اقتصادی نیست، بلکه ناشی از نحوه کار نظام سرمایه‌داری است. ولف در این کتاب نشان می‌دهد چگونه نظام سرمایه‌داری تولید را به‌صورت بسیار ویژه‌ای سازمان دهی می‌کند: «سودهای بنگاه‌ها که دیگران می‌برند و استفاده می‌کنند دسترنج توده‌های زحمتکش است». این کتاب با بررسی ریشه‌های نابرابری چهل سال گذشته آمریکا، به تأثیرات بحران اقتصادی بر ساختار جامعه و گروه‌های پایینی مردم می‌پردازد و نشان می‌دهد بدون وجود یک جنبش مطالباتی یکپر هیچ دورنمایی برای خلاصی از بحران وجود ندارد. همچنین ولف توضیح می‌دهد چطور این بحران طرف چند ساعت قاره‌ها را می‌پیماید و

اقتصادرا تسخیر کنید
ریچارد ولف
ترجمه: مهرداد شهبایی
محمود نبوی
ناشر: اختران
چاپ دوم: ۱۳۹۸
قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

چگونه ورشکستگی این بنگاه یـا آن بانک که آغازگر سلسله‌فروپاشی‌های سیستم مالی جهانی بوده، اهمیت خود را از دست می‌دهد. ولف از این طریق جنبه‌های دیگری از جنبش اشغال را نیز برجسته می‌کند که در تـفـرش نقطه پایانی بود بر سر عذر و بهانه‌های نظام سرمایه‌داری. او تأکید دارد انتظار کمک از بالا به پایین در دوران تمرکز گسترده ثروت در دست اقلیت یک درصدی بی‌فایده است. ولف معتقد است برای مقابله با بی‌کاری و فقر گسترده، پرتلاف و بی‌رحمانه باید محیط‌های کار را بازسازماندهی دموکراتیک کرد. مهم‌تر از برنامه اشغال، نیاز به دموکراتیزه‌کردن بنگاه‌های اقتصادی است و باید بر نظامی اقتصادی که آن همه بنگاه‌ها تأمین‌کننده کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه غیردموکراتیک سازماندهی می‌شوند نقطه پایان گذاشت. از نظر ولف سا اجازه داده‌ایم نظام سرمایه‌داری بر دموکراسی غالب شود درحالی‌که اکثریت مردمی که ناچارند با پیامدهای یک تصمیم مشخص سر کنند باید در آن تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند. ولف به فقدان سازماندهی طبقه کارگر اشاره می‌کند و معتقد است این مسئله باعث بحرانی جدی در ایالات متحد شده، بدون اینکه دولت برای بهبود اقتصادی همه‌جانبه و حفظ آن دخالت کافی کند. او راه چاره را در دموکراسی اقتصادی و سازماندهی دوباره و متفاوت در محیط‌های کار می‌داند. مرکز بحث از در این زمینه غلبه سرمایه‌داری بر دموکراسی است، ازاین‌رو بر ضرورت گام‌هایی علمی و فوری در راه تحقق دموکراسی اقتصادی تأکید دارد. به نظر ولف شیوه نوسازماندهی محیط کار از تلاش‌های تاریخی قرن بیستم برای گذار از سرمایه‌داری متفاوت است و برخلاف اشکال سنتی و دولتی سوسیالیسم و کمونیسم، دیگر فقط ملی‌کردن دارایی‌های مولد و نشاندن برنامه‌ریزی مرکزی به‌جای بازارها کفایت نخواهد کرد. او معتقد است مارکس و مارکسیسم همچنان گزینه‌ای است غنی از تحلیل‌های انتقادی و برنامه‌هایی برای دستیابی به زندگی‌ای بهتر از سرمایه‌داری و هر ازبایی متوازی از سرمایه‌داری نوین باید آن مجموعه انگاره‌ها، پیشفاده‌ها و بحث‌های مرتبط با تلاش‌های جهانی را نیز که تاکنون رای عبور از سرمایه‌داری انجام شده مورد بررسی قرار دهد. ولف یکی از راه‌های متحول‌کردن دموکراسی سیاسی با گذار از انتخابات متکی بر حمایت‌های مالی شرکت‌ها، یعنی یک مراسم و تشریفات صرف، را دموکراتیزه‌کردن قلمرو اقتصادی می‌داند، یعنی امکان تصمیم‌گیری راستین مردم.

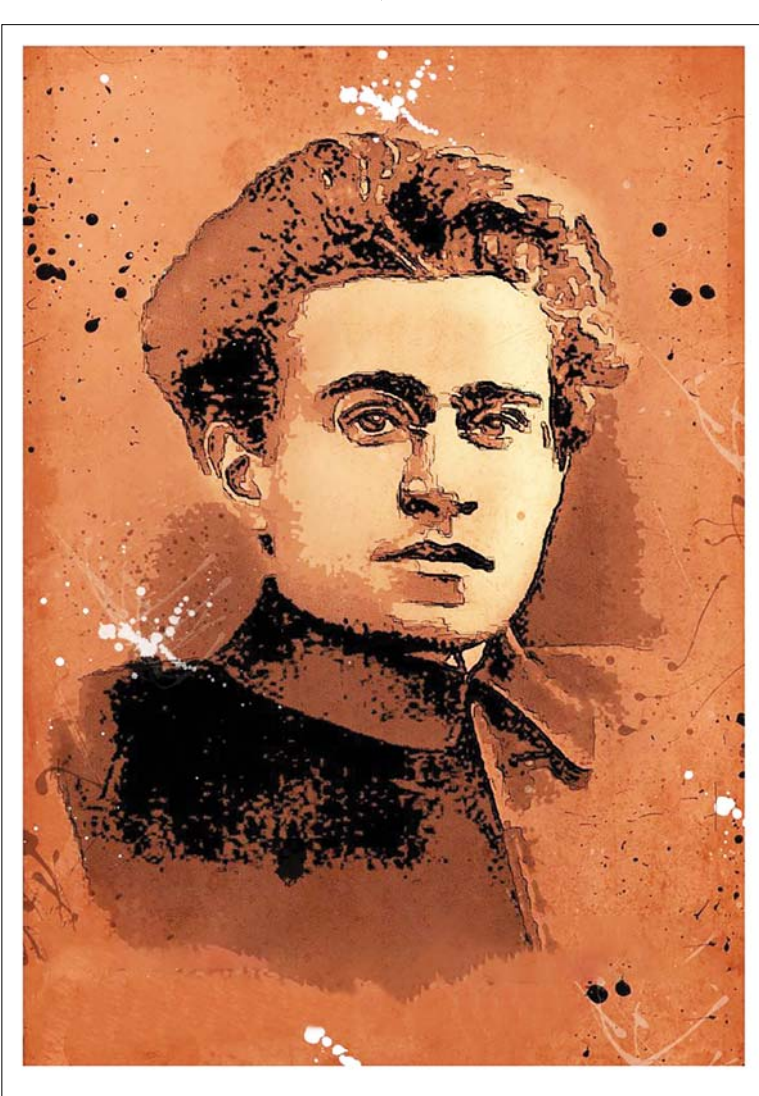
گروه اندیشه: آنتونیو گرامشی (۱۸۹۱–۱۹۳۷) نظریه‌پرداز مارکسیسم انقلابی و از رهبران و بنیان‌گذاران حزب کمونیست ایتالیا است. نوشته‌های سیاسی و اجتماعی گرامشی در دو دوره نوشته شده‌اند: قبل از زندان (۱۹۱۰–۱۹۲۶) و در طول دوره زندان (۱۹۲۹–۱۹۳۵). نوشته‌های قبل از زندان گرامشی بیشتر سوهی‌های سیاسی دارد و نوشته‌های زندان متمایل به تاریخ و نظریه است. کتاب «گرامشی؛ میراث انقلابی» (جستارهایی در شناخت نظریه و عمل سیاسی) که به تازگی در نشر ژرف منتشر شده، مجموعه مقالاتی است که نظریات گرامشی را در این دو دوره واکاوی می‌کنند. در این جستارهای تاریخی و سیاسی که در هفتادمین سالگرد مرگ گرامشی در سال ۲۰۰۷ در نشریه «سوسیالیسم بین‌الملل» منتشر شده، مکان ترودل، کریس بامبری، آدریان بود و کریس هارمن درصدد شناخت پراتیک، نقد حزبی و مدعی انقلابی‌بودن مارکسیسم گرامشی هستند. در مقدمه این مجلد آمده: «شمار انگشت‌شماری از انقلابیون چوان گرامشی، با تصویری که لنین از انقلابی‌گری ترسیم کرده تناسب کامل دارند. پس از مرگ گرامشی در ۲۷ آوریل ۱۹۳۷، آنهایی که در قطب مخالف نظریات او قرار داشتند، کوشیدند افکارش را از آن خود کنند. بنابراین سازمان‌دهندگان کنفرانس لندن در سالگرد مرگش در ۱۹۷۷ و ۱۹۸۷ مدعی شدند که گرامشی دفترهای زندان به نوعی توجیه‌گر خط سیر آنها از استالیانیسم به اروپامرکزی و از اروپامرکزی به نسخه‌ای از کارگرباوری و مخالف با چپ حزبی است. از آن پس گرایش اصلی، در مطالعه گرامشی انگیزه‌ای جز سیاست دست‌راستی نداشت.» (ص ۱۲)

شوراهای کارگری

در مقاله اول «گرامشی: سال‌های زندگی در تورین»، مکان ترودل، تجربه مهم شوراهای کارخانه در ایتالیا به ویژه شورای تورین و نقش این وقایع را در شکل‌گیری تفکر گرامشی و مسائل اساسی که پس از آن مورد نظر او قرار گرفت بررسی می‌کند. از نظر ترودل تنها راهی که می‌توان گرامشی را یک «دتریک‌گر» نشان داد، کنارگذاشتن این تجربه از جنبش انقلابی ایتالیا و پاک‌کردن اثر آن از آثار بعدی اوست. گرامشی در سال ۱۹۱۵ با اینکه شرایط فعالیت به عنوان یک پژوهشگر دانشگاهی معتبر برایش مهیا بود، عضو فعال حزب سوسیالیست ایتالیا شد و حرفه روزنامه‌نگاری را آغاز کرد و به یکی از بی‌پروازترین نویسندگان انتقادی در ایتالیا ی آن زمان تبدیل شد. ستون ثابت او در روزنامه «آوانتسی»، ارگان آینده حزب کمونیست ایتالیا، که در تورین منتشر می‌شد و نقدهایی که او در زمینه سیاست و هنر ایتالیا می‌نوشت به طور گسترده خوانده می‌شد و تأثیر زیادی بر افکار عمومی ایتالیا بر جای گذاشت. بعد از وقوع انقلاب بلشویکی در اکتبر ۱۹۱۷ او بیش از پیش به عنوان مارکسیستی انقلابی مطرح شد. در این زمان ایتالیا در دوران رکود اقتصادی و شورش‌های پرانگده به‌خصوص در نواحی صنعتی به سر می‌برد. در ۱۹۱۹ و در دنگره یولوتیا، گرامشی خواستار پیوستن حزب سوسیالیست ایتالیا به انترناسیونال سوم شد. امواج اعتصاب و اشغال کارخانه‌ها در ایتالیا در سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ (دو سال سرخ)، اندیشه گرامشی را برای تمام عمر متأثر کرد و اثری بی‌چون‌وچرا بر محتوای دفترهای زندان گذاشت. گرامشی در این سال‌ها دل‌مشغول دموکراسی شورایی بود که انقلاب روسیه بر پا کرد و می‌خواست سازمان‌هایی را در درون طبقه کارگر ایتالیا بررسی کند که بالقوه قادر به ایفا نقش اولیه شوراها یا شوراهای کارگری بودند. او معتقد بود که چنین شورهایی باید پیش از خیزش انقلاب شکل گرفته باشند، به علاوه این شوراها جزء اصلی انقلاب محسوب می‌شدن نه صرفا ساختارهایی برای سازماندهی تولید در جامعه پسانقلابی. استدلال گرامشی این بود که لازم است کمیته‌های داخلی کارخانه‌های ایتالیا که شباهتی به اتحادیه‌های کارگری بریتانیا نداشتند، به ارگان‌های قدرت کارگری تبدیل شوند: «کمیته‌های داخلی ارگان‌های دموکراسی کارگری هستند که باید از محدودیت‌هایی که از سوی کارفرمایان بر آنها تحمیل می‌شود، آزاد شده، زندگی و انرژی جدیدی در آنها دمیده شود» (ص ۲۳). استدلال او این بود که تحولاتی که جنگ در تولید ایجاد کرد، شرایط مادی را برای شکل‌گیری شوراها مهیا کرده است. او به استقلال روبه‌شد کارگران در اثر بزرگ و مکانیزه‌شدن کارخانه‌ها، پرولتاریزه‌شدن تکنیسین‌ها، کارمندان و کارکنان دفتری اشاره کرد که به این معنا اشاره داشت که این بخش‌ها قادر به وحدت با کارگران یدی هستند.

در مقاله «سرگردگی و استراتژی انقلابی»، کریس بامبری، رابطه میان حزب و طبقه و تأکید استراتژیک گرامشی را بر جبهه واحد در برابر فاشیسم بررسی می‌کند. او مقاله خود را با ذکر تاریخچه حزب سوسیالیست ایتالیا و شرح مشاجرات کمیتزن و انتقاد گرامشی به سربرازدن حزب سوسیالیست در حمایت از اعتصاب عمومی آغاز می‌کند. گرامشی در آن زمان در نقل‌قولی پیشگویانه گفته بود: «مرحله کنونی مبارزه طبقاتی در ایتالیا مرحله‌ای است که با پیش‌درآمد کسب قدرت سیاسی از سوی پرولتاریای انقلابی خواهد بود یا از تاجاع وحشتناک بخشی از طبقات مالک.» (ص ۴۱) اختلاف نظر گرامشی با حزب سوسیالیست بر سر شورا‌های کارگری او را واداشت که طی سال ۱۹۲۰ به بازسازی و سپس جدایی از حزب سوسیالیست ایتالیا و تشکیل حزب کمونیست بپردازد. این حوادث زمانی رخ داد که رهبران اتحادیه‌های قدیمی و حزب سوسیالیست ایتالیا در تورین به او حمله کردند و تنها پس از این بود که او زبان به نقد اتحادیه‌ها و حزب سوسیالیست ایتالیا زد. گرامشی در آن زمان به تبهکاری و حمله متقابل فاشیست‌ها همراه بود و حسبی از

اندیشه



گزارشی از کتاب گرامشی؛ میراث انقلابی

دربرابر اصلاح طلبی

همین بستر بررسی می‌کند. نوگرامشی‌ها عمدتا متأثر از رابرت کاکس بر همین کاربرد هژمونی در نظام بین‌المللی البته با رویکردانی از برخی عناصر آن تأکید زیادی دارند. نوگرامشی‌ها با استفاده از مفاهیم «دفترهای زندان» نقد تندی را متوجه واقع‌گرایان کردند. نظریه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل عمدتا دولت را جلوه منافع ملی منسجم و ازپیش‌مشخصی می‌داند. نوگرامشی‌ها نیروهای طبقاتی را که طی فرایند تولید شکل گرفته‌اند، در تحلیل روابط بین‌الملل وارد می‌کنند. نوگرامشی‌ها با استقرار قدرت دولت در روابط طبقاتی دیدگاه‌های گرامشی را که «روابط بین‌الملل منطقا از روابط اجتماعی بنیادین پیروی می‌کند» و برداشت او را از دولت به‌مثابه حوزه مبارزه اساسی می‌پذیرند. کاکس نیز متأثر از گرامشی و بر خلاف واقع‌گرایان، موجودیت جوهری نظام بین‌الملل، را نه دولت‌ها بلکه هم‌پافته دولت-جامعه می‌داند. او نظر او نظام جهانی را نباید نظم بین‌دولتی دید بلکه ترکیبی از نیروهای اجتماعی است که دولت و نظم جهانی را شکل می‌دهد.

نوگرامشی‌ها با پیروی از رد تفسیر ماتریالیستی مکانیکی مارکس از سوی گرامشی که اندیشه و عمل انسان را بازتاب خودکار شرایط مادی می‌بیند، خود اندیشه‌ها را بخشی از واقعیته می‌دانند و همان‌گونه که کاکس مطرح می‌کند، «نظریه‌همیشه در خدمت کسی یا مقصودی است». آدریان بود، نقطه قوت دیگر نوگرامشی‌ها را تعهد به تغییر اجتماعی، برابری بیشتر، حمایت از محیط طبیعی، عدالت و صلح می‌داند. اما از نظر او با وجود این نقاط قوت و این واقعیت اجتماعی‌هم‌پافته‌های بویای مارکسیستی را نظام‌مندتر از دیگران به کار می‌گیرند، چشم‌اندازهایشان با مشکلات مهمی دست‌به‌گریبان است، به‌ویژه رویکردشان به مسئله هژمونی و سرگردگی جهانی که از درک مارکسیستی در فهم سرشت امپریالیسم و قدرت‌های جهانی در نظام سرمایه‌داری جهانی فاصله می‌گیرد و قدرت تحلیلی خود را از دست می‌دهد. دلیل اینکه وعده نوگرامشی‌ها در کاربرد اندیشه‌های گرامشی در نظام بین‌المللی عملی نشده، نظریه ناشی از انکار جنبه اصلی عملکرد مارکس و تحلیلش کاکس است؛ یعنی رد مفهوم هژمونی



گرامشی میراث انقلابی

کریس هارمن و دیگران
ترجمه: فاتح رضایی
ناشر: ژرف
چاپ اول: ۱۳۹۸
قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

می‌راند؛ هرچند روابط اجتماعی شیوه تولید حاکم بر روابط بین‌الملل در قرن بیستم و مطالعات او را درباره قرن‌های پیشین بررسی می‌کند. او تلاش‌های نوگرامشی‌ها را در مقابله با چشم‌انداز واقع‌گرا در روابط بین‌الملل که با نام استراتژیست‌هایی چون کیسینجر و هانتینگتون و برژینسکی گره خورده وامی‌کاود. اعمال هژمونی در بستر ملی موضوع اصلی دفترهای زندان است اما گرامشی گاه آن را به نظام بین‌المللی گسترش می‌داد. برای نمونه تلاش‌های فرانسویان را برای به‌دست‌آوردن سرگردگی بر اروپای قرن نوزدهم در

از نیرو و رضایت» و «هبری عقلانی و اخلاقی»، فقط دومی را در نظریه خود به کار می‌گیرند. مقاله آخر، «گرامشی در برابر اروکمونیسم» نوشته کریس هارمن، نخستین‌بار در دو بخش در اولین فصلنامه سوسیالیسم بین‌الملل در سال ۱۹۷۷ منتشر شد. این زمانی بود که احزاب کمونیست ایتالیا، اسپانیا و بریتانیا مواضع اروکمونیستی را که مستلزم پذیرش رویکرد غیرانقلابی به سوسیالیسم بود، اتخاذ کردند. این احزاب با نقل‌قول‌های بسیار از آثار گرامشی به سمت سیاست‌ها و دولت‌های محافظه‌کار روی آوردند. درحالی‌که گرامشی از ۱۹۱۶ تا زمان مرگش در زندان موسولینی در ۱۹۳۷ یک «ناقلی حرف‌های» بود. «مرگش در پی سال‌های بیماری و درمانی مطابق میل موسولینی بود. با وجود این، بخت بد او پایان نیافت، چراکه پس از مرگ، افکارش از سوی کسانی که هیچ وجه مشترکی با آرمان‌های انقلابی او نداشتند، دستخوش تحریف شد.» (ص ۱۱۰) هارمن مقاله خود را برمرور پراتیک گرامشی در دوره‌های مختلف تولید می‌کند که در همه آنها بر ضرورت دگرگونی انقلابی جامعه از طریق سرنگونی دولت سرمایه‌داری اصرار داشت؛ همین اصرار بود که او را در صف اول روزنامه‌نگارانی قرار داد که طی سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۸ محرک کنش انقلابی حزب سوسیالیست ایتالیا علیه سرمایه‌داری و همچنین جنگ جهانی بودند. این اصرار طی سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۰ او را در مرکز جنبش شوراهای کارگری در کارخانه تورین قرار داد. همین اصرار بود که در سال ۱۹۲۱ او را به جدایی از حزب سوسیالیست اصلاح‌طلب و برپایی حزب کمونیست انقلابی امیل واداشت. همین اصرار بود که او را طی سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۶ به رهبری حزب رساند. و همین اصرار بود که سرانجام، او را به زندان موسولینی انداخت، جایی که او کوشید افکارش را درباره جامعه ایتالیا، استراتژی و تاکتیک در قالب یادداشت (دفترهای زندان) ارائه کند. «او امیدوار بود که این یادداشت‌ها به دیگری که اهدافی انقلابی را در سر می‌پروارندد یاری رساند. با این حال، نوشته‌هایش به دست کسانی افتاد که خواهان تبدیل مارکسیسم به جریانی دانشگاهی و غیرانقلابی بودند.

این کار تنها با تحریف منظم افکار گرامشی از سوی حزب کمونیست ایتالیا امکان‌پذیر شد.» (ص ۱۱۱) هارمن شکل‌گیری نخستین دور تحریف را بلافاصله پس از مرگ گرامشی در زندان موسولینی می‌داند: رهبر استالیانیست حزب کمونیست ایتالیا، پامپرو تولیانی به هفتقه‌ها بود که دفترهای زندان را در اختیار داشت و به مدت ده سال مانع از انتشار آن شد. سرانجام در ۱۹۴۷ هم که دفترها منتشر شدند، قسمت‌هایی از آن سانسور و حذف شده بود. هدف از این تحریف‌ها، استالیانیست نشان‌دادن گرامشی بود. به نظر هارمن چنین تصویری از گرامشی سلاح بسیار مفیدی برای ایدئولوژی‌ای بود که عملا وام‌دار هیچ اندیشه‌وز اجتماعی نبود، سلاحی که می‌توانست دیگر روشنفکران ایتالیا را با میراث غنی نظری حزب کمونیست تحت‌تأثیر قرار دهد و درعین‌حال فقر روشنفکرانه کرملین و پیرانش را پنهان سازد.

سانسور و تحریف اندیشه‌های او ضروری بود، چراکه گرامشی درواقع با افسانه استالیانیستی تطابق نداشت. وقتی برادر گرامشی در ۱۹۳۱ او را در زندان ملاقات کرد، گرامشی به او گفت که سیاست دوران سوم استالین را که تولیانی به اجرا گذاشته کاملاً رد می‌کند. همچنین یکی از آخرین گفته‌های سیاسی گرامشی به دوستانش پیش از مرگ، عدم اعتقاد او به شواهدی بود که علیه زنیووف در دادگاه مسکو ارائه شده بود. تولیانی پس از مرگ گرامشی کوشید خود را دوست سیاسی همیشگی او نشان دهد. با آنکه آن دو نخست طی سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ و سپس در سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ به شکلی نتگانت همکاری کرده بودند، در آن سال‌های بحرانی نظرات آنها درباره مسئله استراتژی و تاکتیک‌های انقلابی در غالب موارد متفاوت بود. بااین حال در پایان، این تولیانی بود که با انتشار نامه‌های سانسورنشده گرامشی و دفترها اجازه داد تحریفاتی که صورت گرفته بود، آشکار شود. دومین تحریف بزرگ در افکار گرامشی در این زمان صورت گرفت. گرامشی که پیش از این قدیس حامی استالیانیسم ایتالیا محسوب می‌شد، حالا به حامی مقدس اروکمونیسم تبدیل شده بود. این چهره گرامشی بود که مورد توجه جناح راست روشنفکر حزب کمونیست بریتانیا کبیر قرار گرفت. او به توجیه‌گر سازش تاریخی و بی‌طرفی خیرخواهانه حزب کمونیست ایتالیا و سیاست کنترل دستمزدها و کاهش هزینه‌های دولت مستقر تبدیل شده بود. هارمن در بخش انتهایی مقاله خود، به برخی از محدودیت‌های ضعف‌های موجود در کار گرامشی می‌پردازد. نخستین و آشکارترین محدودیت این بود که دولت فاشیست نوشته‌های گرامشی را تحت نظارت خود داشت. دومین ضعف گرامشی حمایت او از بلوک استالین- بوخارین بود که در ۱۹۲۵ شکل گرفته بود. به نظر هارمن، گرامشی این مسئله را به‌عنوان بخشی از جنگ جهانی بین‌المللی در تلاش برای برپایی سوسیالیسم در یک کشور از طریق توافق با دهقانان انجام داده بود. گرامشی نسبت به ضرورت نقد بوروکراتیسم سرگورکر استالیانیسم کاملاً آگاه بود، بااین‌همه پذیرش روایت استالینی- بوخارینی از سوسیالیسم در یک کشور، مانع از تحلیل او از مشکلات اساسی روسیه به سرانجام آخرین ضعف اساسی گرامشی از نظر هارمن، این است که هرچند گزارش انتزاعی درستی از رابطه میان اقتصاد و سیاست ارائه می‌دهد، اما در میان مارکسیست‌های بزرگ تنها فردی است که نوشته‌های سیاسی‌اش فاقد بُعد مشخص اقتصادی‌اند و این امر به نوعی داوری‌های فردی می‌انجامد که در نوشته‌های مارکس، انگلس، لنین، لوکزامبورگ یا تروتسکی دیده نمی‌شود.

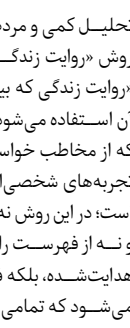
مرد

مبانی جامعه‌شناسی

● جامعه‌شناسی در پی دگرگونی‌های عمده ناشی از انقلاب صنعتی قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم زاده شد که نظم اجتماعی پیشین را بر هم زد و زندگی انسان را به کلی متحول کرد. جامعه‌شناسی، علم شناخت ساختارها، نهادها و واقعیت‌های اجتماعی است و موضوعاتی مانند طبقه، فقر،زندگی، نابرابری اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی، تغییرات اجتماعی، خانواده، جنسیت، قومیت‌ها و… را بررسی می‌کند. جامعه‌شناسی رشته‌ای است پویا که نظریه‌های آن همواره در حال تحول‌اند. سؤال‌هایی که امروز در حوزه جامعه‌شناسی مطرح است، تنوع فراوانی دارند: جامعه‌شناس از کدام روش‌ها کار می‌کند؟ مفاهیم عمده جامعه‌شناسی کدام‌اند؟ بر مبنای کدام وابستگی‌های اجتماعی می‌توان روابط فرد با جامعه را تعریف کرد؟ کتاب «۱۰۰ واژه کلیدی جامعه‌شناسی» یک فرهنگ واژگان مختصر است که مهم‌ترین مسائل روز جامعه‌شناسی را بررسی می‌کند. با وجود رویکردها، حاسیت‌ها و مکتب‌های متفاوت در میدان جامعه‌شناسی در اواخر قرن بیستم، در این فرهنگ واژگان تلاش شده تعاریف تخصصی به‌صورت گروهی و توسط جمعی از استادان برجسته این رشته تدوین شود. سرژ پوگام، سررواستار کتاب توضیح می‌دهد که برای گزینش و نگارش مدخل‌های این اثر، ۲۱ جامعه‌شناس عضو هیئت تحریریه مجله جامعه‌شناسی، به هم‌اندیشی و مشارکت پرداخته‌اند. به گفته او آنان بیشتر جامعه‌شناسان جوانی هستند که دغدغه عبور از اختلاف مکتب و روش‌هایی را دارند که در جریان دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پدیدار شده‌اند و طرفدار رویکردی کثرت‌گرا و پاسخ‌گو در رشته جامعه‌شناسی‌اند؛ بنابراین این کتاب از مقابله و مواجهه چندین دیدگاه برای تعریف واژگان و مفاهیمی استفاده کرده که اساس رشته و حرفه جامعه‌شناسی را می‌سازند.

این کتاب در چهار فصل تدوین شده است. فصل اول به نگرش‌های کلی در علوم اجتماعی، نظیر اخلاق حرفه‌ای، بی‌نظری ارزش‌شناختی، تفسیر، تفهم و عینی‌سازی می‌پردازد؛ مثلاً درباره عینی‌سازی، این پرسش را مطرح می‌کند که جامعه‌شناسی با توجه به ماهیت پدیده‌های اجتماعی‌ای که مطالعه می‌کند و تعلق فروناکاستنی جامعه‌شناس به جامعه چگونه می‌تواند «عینی» و علمی باشد. این نگرش اجده می‌دهد به وقایع اجتماعی از «بیرون» یا دیدگاهی فاصله‌دار و احیاناً کمتر «ذهنی» نگاه کرد. فصل دوم انواع روش‌های تحقیق نظیر پرسش‌نامه، تحلیل طولی،

۱۰۰ واژه کلیدی جامعه‌شناسی
زیر نظر: سرژ پوگام
ترجمه: عبدالحسین نیک‌بهر
ناشر: فرهنگ معاصر



تحلیل کمی و مردم‌نگاری را بررسی می‌کند؛ مثلاً روش «روایت زندگی» را این‌گونه توصیف می‌کند: «روایت زندگی که بیشتر در روش زندگی‌نامه‌ای از آن استفاده می‌شود، نوعی خاص از مصاحبه است که از مخاطب خواسته می‌شود خاطرات زندگی و تجربه‌های شخصی‌اش را روایت کند. سازوکار ساده است، در این روش نه از پرسش‌نامه استفاده می‌شود و نه از فهرست راهنمای پرسش‌ها در مصاحبه هدایت‌شده، بلکه فقط در شروع کار از راوی دعوت می‌شود که تمامی یا بخشی از کادشمار زندگی‌اش را مطابق با هدفی که بررسی‌کننده بپذیری می‌کند، روایت کند. جامعه‌شناس می‌تواند راه‌گازهای طرح پرسش‌هایی روایت را به راه‌انداز، منتها باید دقت کرد که مصاحبه در مسیریک که راوی انتخاب کرده پیش برود». فصل سوم به مفاهیم کلان جامعه‌شناسی مانند اجتماع و جامعه، زانولیت، بیگانگی، تقسیم کار، سلطه، سرمایه، شغل و… اختصاص دارد و فصل چهارم وابستگی‌های اجتماعی نظیر پیاگاه، جنس، خانواده، دین و سرزمین را توضیح می‌دهد و در بخش نتیجه‌گیری نیز پرسش‌نگان به تعریف تعهد و نقاط افتراق دانشمند و سیاست‌پیشه می‌پردازند. نژاد و جنس از جمله مفاهیم مهمی است که در فصل سوم بررسی می‌شوند. در دهه ۱۹۷۰ مفاهیم «نژاد» و «جنس» در قرائت روابط سلطه به مفهوم «طبقه» افزوده شدند. در هر دو حالت رویکرد یکسان است: نژاد و جنس، واقعیت‌های زیست‌شناختی نیستند که اثرات اجتماعی دارند، بلکه برساخته‌های اجتماعی‌اند که برای توجیه روابط سلطه به کار می‌روند. پیدایش این سنخ‌های جدید از تحلیل فرصتی بوده برای فکرکردن درباره آنچه امروزه «فصل مشترک» نامیده می‌شود، یعنی شیوه‌ای که میان آنها روابط اجتماعی طبقه، جنس، نژاد و حتی سن و روابط جنسی به هم متصل می‌شود. مخالفان کاربرد واژه نژاد که درعین‌حال، وجود گروه‌های نژادی را انکار نمی‌کنند، ترجیح می‌دهند به جای نژاد واژه «طبقه» استفاده کنند. باور نژادپرستانه در وجود نژادهای زیست‌شناختی است.